

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۱۵-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

حقوق بین الملل و بیماری‌های با قابلیت پاندمی (بررسی موردی: کرونا ویروس)

عباس تقوائی* / عاطفه لرجوری**

چکیده

با شیوع بیماری «کرونا» و سپس بحران همه‌گیری آن، اخبار مربوط به این بیماری ویروسی در صدر عموم رسانه‌های جهان قرار گرفته و تبدیل به موضوع مهم روز شد. تا قرن ۲۱ میلادی که موجی از بیماری‌هایی با ویژگی‌های مشابه نظیر «سارس»، «آنفلوآنزای خوک» و «مرس» در مناطقی از جهان گسترش یافت، درکی درخور از موضوعات این‌چنینی وجود نداشت. حقوق بین‌الملل به‌عنوان حقوق حاکم بر جامعه جهانی، وظیفه وضع قواعدی را جهت تنظیم مناسبات فرامرزی میان واحدهای سیاسی عهده‌دار است ولی تعاریف قدیمی از این شاخه از حقوق، باتوجه به توسعه دامنه موضوعات و تابعان آن جامعیت خود را از دست داده بود لذا دچار تحول گردید. در آثار جدید حقوق بین‌الملل ضوابطی برای تعیین مکلفان جدید مطرح شده ولی تاکنون ملاک و ضابطه‌ای برای موضوعات نوظهور آن بیان نشده است؛ که موضوع بحث ما در این پژوهش حول همین موضوع است چراکه به نظرمی‌رسد رسیدن ویروس کرونا به مرحله پاندمی امکان‌چنین کاری را فراهم ساخته باشد. اصولاً این واقعه به ما نشان داد که باید به تنظیم قواعدی فراتر از حاکمیت کشورها پرداخت که در مواردی نظیر این، نه‌تنها برای کشورها، بلکه برای کلیه بازیگران صحنه بین‌الملل، الزام‌آور تلقی شود؛ همان‌گونه که در برخورد با مسائلی نظیر «حقوق بشر» و «حقوق محیط‌زیست» شاهد چنین توسعه‌ای بوده‌ایم.

کلید واژه‌ها

حقوق بین‌الملل، کرونا، پاندمی، موضوعات حقوق بین‌الملل.

* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. (نویسنده مسئول)

taghvae.abbas@yahoo.com

** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

مقدمه

رشد فزاینده تکنولوژی و دانش پزشکی هرچند مشکلات جامعه بشری را محدود کرده ولی مرتفع نساخته است و بشرا روزی با مشکلاتی نوظهور مواجه می‌باشد که نمونه‌ای از این امر در شیوع بیماری‌هایی مانند «سارس»، «آنفلوآنزای خوکی» و «مرس» و علی‌الخصوص در ماه‌های اخیر «کرونا» قابل مشاهده است؛ آن‌هم در جهان امروز که در سایه تعاملات میان کشورها روبه‌روز کوچک‌تر شده است.

همان‌طور که می‌دانیم وظیفه حقوق بین‌الملل وضع قواعدی برای ضابطه‌مند کردن هرگونه روابط فرامرزی بوده و در این راستا «جامعه جهانی» متشکل از موضوعات و مکلفان حقوق بین‌الملل، جامعه هدف این شاخه از دانش حقوق است. حقوق بین‌الملل نوین در این راستا هم با مسائل نوظهور روبرو می‌باشد و هم با بازیگرانی جدید که در عرصه روابط بین‌الملل ظهور یافته‌اند. دانشمندان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل هم به این بازیگران و مکلفان جدید توجه کرده‌اند و هم به این موضوعات و سوژه‌های نوظهور. درخصوص بازیگران جدیدی که درکنار بازیگران اصلی یعنی کشورها ظهور کرده‌اند، سعی شد که «ضابطه شخصیت حقوقی موضوع حقوق بین‌الملل» مشخص گردد؛ کاری که درمورد حقوق داخلی از قدیم‌الایام صورت گرفته است؛ اما درخصوص موضوعات حقوق بین‌الملل این ضابطه و ملاک هنوز مشخص نشده است و به‌طور موردی تاکنون باتوجه به مسائل مربوط به «حقوق بشر» و «محیط زیست»، شاهد توسعه دامنه حقوق بین‌الملل نسبت به این موضوعات بوده‌ایم.

بررسی تاریخی رشد حقوق بین‌الملل و تسری آن نسبت به موضوعاتی از این نوع، درکنار پرداختن به مسئله حاد امروزه جامعه جهانی یعنی کرونا و ویروس که سرعت شیوع آن باعث حالتی گردید که از آن به «پاندمی» تعبیر کرده‌اند، می‌تواند به ما در تعیین ملاک و ضابطه برای موضوعات و سوژه‌های حقوق بین‌الملل یاری کند و اگر این ملاک‌ها و ضوابط را بپذیریم، باید حقوق بین‌الملل فراتر از پرداختن یکی از زیرمجموعه‌های تخصصی سازمان ملل متحد، یعنی «سازمان بهداشت جهانی»، به موضوع کرونا و ویروس به‌طور خاص و بیماری‌های باقابلیت «پاندمی» به‌طور عام توجه و به وضع قواعدی که درکنترل چنین بیماری‌هایی مؤثر است، بپردازد؛ به‌گونه‌ای که هرچند رعایت قواعد حقوق بین‌الملل محدودکننده حاکمیت کشورهاست ولی نظربه اهمیت موضوع، کشورها همان‌گونه که برخی محدودیت‌های ناشی از قواعد مربوط به «حقوق بشر» یا «حقوق محیط زیست» را پذیرفته‌اند، پذیرای آن نیز بشوند.

پاندمی (Pandemic)

واژه «اپیدمی» که در مورد امراض مسری رایج است، برای حالتی به کار برده می‌شود که در آن شیوع یک بیماری «بیش از انتظار» باشد و البته به عنوان ملاک تعیین شده برای سنجش این امر، مقدار آن با «مقدار مشابه در سال گذشته یا در یک دوره زمانی مشابه دیگر» سنجیده می‌شود. واژه دیگری که در این مورد کم‌تر آشناست، «پاندمی» یا «همه‌گیری جهانی» است که در آن شاهد «گسترش موارد ابتلا به‌طور ناگهانی در تمام نقاط یک کشور و یا بخشی از یک قاره یا حتی کل جهان؛ مثل وبا، آنفلوآنزا، طاعون، تیفوس و ایدز» هستیم. براساس نظر سازمان بهداشت جهانی «اپیدمی به شیوع گسترده اما منطقه‌ای یک بیماری گفته می‌شود؛ افزایش ابتلایی که معمولاً ناگهانی بوده و بیماری به‌طور غیرمنتظره‌ای گسترش می‌یابد»، اما «پاندمی» عبارت است از «شیوع یک بیماری جدید در تمام جهان که افراد زیادی را در تمام دنیا درگیر می‌کند». این اصطلاح اولین بار به عنوان یک نگرانی در خصوص گسترش سریع ویروس کرونا (Covid-19) در کشورهای مختلف مطرح گردید (ویروس کرونا؛ تفاوت اپیدمی و پاندمی: dinu.ir؛ کرونا از وضعیت اپیدمی به پاندمی می‌رسد؟: Khabaronline.ir).

کرونا ویروس (Coronavirus: Covid-19)

کرونا ویروس نوعی جدید از ویروس و نمونه‌ای از بیماری‌های عفونی همه‌گیر آینده است که در چند دهه گذشته شاهد شیوع نمونه‌های از آن در مناطقی از جهان بوده‌ایم نظیر سارس یا سندرم تنفسی حاد (Sars) که طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ میلادی از چین به بیش از ۳۰ کشور منتقل شد (قانع و دیگران، ۱۳۸۱)؛ آنفلوآنزای خوک (H1N1) که در سال ۲۰۰۹ از مکزیک شروع و به مناطقی از جهان سرایت کرد (ایزدی و دیگران، ۱۳۸۸) و مرس (MERS-Cov) که در سال ۲۰۱۲ در عربستان مشاهده گردید و گزارش‌هایی از سرایت آن به آسیا، اروپا و حتی آمریکا داده شد (بیماری مرس چیست؟: Elmfarda.com).

آغاز مسئله ویروس کرونا بنا به گزارش اسپوتنیک از آنچه با استناد به اسناد دولت چین در نشریه South China Morning Post آمده، نوامبر ۲۰۱۹ بود که اولین فرد مبتلا به ویروس کرونا در استان هوبی شناسایی شد (افشای زمان کشف اولین مورد ابتلا به ویروس کرونا در چین: Sputniknews.com). این ویروس ابتدا در هووان چین همه‌گیر شد و سپس طی ماه‌های اخیر به سرعت گزارش‌هایی از شیوع آن در سایر نقاط دنیا منتشر گردید. در ابتدا سخنگوی سازمان بهداشت

جهانی‌انگاری بر استفاده از عنوان «پاندمی» برای آن نداشت و حتی مدیرکل این سازمان تأکید می‌کرد که باتوجه به «ارزیابی مداوم از گسترش جغرافیایی ویروس و تأثیر آن بر جوامع»، وضعیت «پاندمی» برای آن وجود ندارد؛ اگرچه این ویروس در مرحله «اضطراری بین‌المللی» قرار دارد. وقتی این ویروس به سرعت به تعداد زیادی از افراد در تمام جهان و بیش از ۱۲۰ کشور سرایت نمود، بالاخره مدیرکل این سازمان در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ در کنفرانس خبری خود در مقر این سازمان در ژنو سوئیس از «همه‌گیری جهانی» آن خبر داد (کووید ۱۹ رسماً به «پاندمی» رسید و عالم‌گیر شد: Tabnak.ir). این خبر رسماً اعلام می‌داشت که ویروس کرونا به مرحله «پاندمی» رسیده است، مخصوصاً آنکه در زمان نگارش این مقاله از عموم کشورهای دنیا گزارش شده است.

تعریف حقوق بین‌الملل

تعریف حقوق بین‌الملل می‌تواند در تبیین و شناسایی موضوعات و تابعان این شاخه از علم حقوق مؤثر باشد؛ لذا به بیان و تحلیل چند نمونه از این تعاریف خواهیم پرداخت. در ترمینولوژی حقوق، حقوق بین‌الملل رشته‌ای از حقوق دانسته شده که اولاً از «روابط دو یا چند ملت (بین‌الملل عمومی)» و ثانیاً از «روابط دو یا چند فرد از اتباع دو یا چند دولت (بین‌الملل خصوصی)» بحث می‌کند. در همین اثر حقوق بین‌الملل عمومی به عنوان رشته‌ای از علم حقوق ناظر بر «روابط دو یا چند دولت» دانسته شده و معادل‌های «حقوق عام خارجی، حقوق عام ملل، حقوق دولی عام» (با ترجیح عنوان اخیر) برای آن در نظر گرفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۳۱-۲۳۲، شماره‌های ۱۸۴۵ و ۱۸۴۹). تعاریف دیگر ارائه شده از حقوق بین‌الملل به شرح زیر است:

«... مجموعه قواعد و اصولی است که در درجه اول حاکم بر روابط دولت‌هاست و قسمت عمده آن از قواعد و اصول الزام‌آور تشکیل شده است» (مقتدر، ۱۳۸۵: ۳).

«قواعد بین‌المللی مربوط به مناسبات بین دولت‌ها». صاحبان این تعریف اذعان دارند که در این تعریف «این واژه مترادف حقوق بین‌الملل عمومی است؛ البته خود نویسندگان از عنوان «حقوق بین‌الدول» استفاده می‌کنند (آقابخشی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۹۵، شماره ۱۲۷۲).

«... ناشی از روابط بین‌الملل و تنظیم‌کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌المللی است» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۴: ۹).

از میان تعاریف فوق، تعریف اخیر «قابلیت تطبیق با تغییر و تحولات مهم در جامعه جهانی» را داراست؛ لذا در یک جمع‌بندی و باتوجه به این ضابطه که ما را از بازنگری مدام در تعریف خود

معاف می‌سازد، می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل «مجموعه قواعد حاکم بر جامعه بین‌المللی و تنظیم‌کننده مناسبات خارجی است یعنی روابطی که حداقل در یکسوی آن ما با یک عامل فرامرزی روبرو هستیم». با توجه به این تعریف ضروری است برای تعیین دقیق محدوده کاربرد این قواعد به چند امر مهم اهتمام داشت:

موضوع اول- مشخص ساختن موضوعات بین‌المللی در کنار تعیین ضابطه برای شناسایی این موضوعات؛ موضوع دوم- شناسایی مکلفان و تابعان حقوق بین‌الملل در کنار تعیین ملاک‌هایی برای تشخیص این مکلفان.

البته معمولاً در کتب حقوق بین‌الملل تفکیک دقیقی میان «تابعان» و «موضوعات» حقوق بین‌الملل به چشم نمی‌خورد و حتی یکی از استادان حقوق بین‌الملل این دو را مترادف یکدیگر دانسته و معادل «سوژه» (Subject) را برای مجموع آن‌ها در نظر می‌گیرد. از نظر ایشان سوژه یکجا به معنای «وضع‌کننده یا فاعل» است و در جای دیگر به معنای «موضوع» یعنی «دریافت‌کننده قاعده حقوقی یا کسی که قاعده در مورد او وضع شده و موضوع حق و تکلیف قرار گرفته است» و بدین لحاظ کشورها را مشمول هر دو معنا و اشخاص را مشمول معنای دوم می‌داند و البته با ظرافت به مسئله امکان توسعه دامنه بازیگران و تابعان حقوق بین‌الملل نیز اشاره می‌کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۴: ۳). درمباحث ما «سوژه» از «مکلف» تفکیک شده با این بیان که سوژه می‌تواند موضوعی باشد که نظر به اهمیت قابل توجهی که برای جامعه بشری یافته است، موضوع وضع قواعدی حتی تا مرحله آمرانه، برای بازیگران عرصه روابط بین‌الملل و در نتیجه تابعان حقوق بین‌الملل واقع شود؛ همچنان که «حقوق بشر» و «محیط زیست» (چنانکه خواهیم دید) تا حدودی به چنین جایگاهی دست یافته‌اند و امروزه شاهد پیدایش مفهوم «مسئولیت بین‌المللی» در قبال نقض حقوق بشر و تخریب محیط زیست هستیم.

در مورد «شخصیت‌های حقوقی» که موضوع حقوق داخلی هستند، در کتب حقوقی از قدیم‌الایام ملاک‌هایی تعیین شده است؛ اما برای «شخصیت‌های حقوقی» که موضوع حقوق بین‌الملل هستند (موضوع دوم فوق‌الذکر)، تا چندی پیش ضابطی تعیین نشده بود. شاید نیز این یکی از دلایلی بود که حقوق بین‌الملل در تسری به «تابعان» جدید خود مشکلاتی داشت. امروزه با رشد سریع حقوق بین‌الملل در سه دهه گذشته، شاهد مواردی از تعیین شاخص‌هایی در این خصوص هستیم که توسط برخی از اساتید در دوره‌های اخیر مطرح شده است. به عنوان نمونه ایان برانلی که از اساتید بنام حقوق بین‌الملل است، برای «شخصیت‌های حقوقی» که

موضوع حقوق بین‌الملل هستند به چهار شاخص زیر اشاره و در نهایت اذعان می‌کند که الزاماً مجموعه این شاخص‌ها در یک بازیگر بین‌المللی موجود نیست:

۱- «اهلیت انعقاد معاهدات»؛

۲- «صلاحیت اقامه دعاوی بین‌المللی از طریق روش‌های دیپلماتیک یا دیگر شیوه‌های موجود»؛

۳- «مسئولیت در برابر آثار نقض حقوق بین‌الملل»؛

۴- «(داشتن) مزایا و مصونیت‌ها در ارتباط با صلاحیت‌های ملی دولت‌ها» (برانلی، ۱۳۸۳: ۴۶).

لزوم شناخت دقیق «جامعه بین‌المللی» و مسائل آن

دیدیم که لازمه درک صحیح حقوق بین‌الملل، شناخت درست «جامعه بین‌المللی» است. آنچه مسلم است، همان‌گونه که حقوق داخلی قواعد حاکم بر مناسبات درون قلمروی یک کشور می‌باشد، حقوق بین‌الملل تنظیم‌کننده مناسبات در جامعه بین‌المللی است و مجموعه قواعدی را دربرمی‌گیرد که حاکم بر مناسبات آن است. برخی از حقوقدانان جامعه بین‌المللی را بر مجموعه‌ای «مرکب از دولت‌ها» اطلاق می‌کنند (مقتدر، ۱۳۸۵: ۵). برخی نیز تعریف را بسط داده و جامعه بین‌المللی را اجتماعی می‌شمارند که «از همکاری و همبستگی مبتنی بر منافع مشترک و نیازهای متقابل کشورها» شکل گرفته و «مقررات حقوق بین‌الملل به آن نظم خاصی بخشیده و بر آن حاکم شده است» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۴: ۲). «واکنش دسته‌جمعی»، «منافع مشترک» و «نیازهای متقابل» متغیرهایی است که در این تعریف جلب‌توجه می‌کند. درهم تنیدگی کشورها در جهان امروز ناشی از درک این مطلب مهم است که برخی مسائل نظیر حقوق بشر، تروریسم و مشکلات زیست-محیطی نمونه‌هایی از مشکلات کل جامعه جهانی هستند. چنین درکی ناشی از افزایش سطح آگاهی مردم در اقصی نقاط جهان است که بپذیرند برخی مشکلات، مشکل این ملت یا آن کشور و مشکل این منطقه یا آن قاره نیست. البته مسائل حادی در زمینه چگونگی وضع قواعد تنظیم‌کننده مشکلات جهانی وجود دارد (که خود بحث مستقلی است و در این مقال نمی‌گنجد)؛ باین حال موفقیت‌های کسب‌شده در این خصوص را هم نمی‌توان نادیده انگاشت.

مسئله ما در اینجا این است که اساساً «چه موضوعاتی می‌توانند قابلیت این را داشته باشند که مسئله جامعه جهانی تلقی شوند؟» ما می‌توانیم با تعریف دقیق «جامعه بین‌المللی» و بررسی «سیر تحول تاریخی مکلفان و موضوعات بین‌المللی» به ضوابطی در این مورد دست پیدا کنیم.

نگاهی به سیر تاریخی تحولات جامعه بین‌المللی

دیدیم که عمده‌ترین تعاریف از حقوق بین‌الملل، ضمن ذکر تقابل آن با حقوق داخلی، آن را قواعد حاکم بر مناسبات میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و افراد و برخی بازیگران جدید صحنه بین‌الملل نظیر شرکت‌های فراملی و ادیان می‌شمارند که اگر رابطه افراد مربوط به «مناسبات خصوصی اشخاص» باشد، وارد حیطه «حقوق بین‌الملل خصوصی» می‌شود. با پیدایش کشورهای ملی (Nation-States) در قرن ۱۷ میلادی، مناسبات میان واحدهای سیاسی وارد مرحله جدیدی شد و ضرورت ساماندهی به مناسبات میان این واحدهای جدید در مناسبات بین‌المللی نیز پیدا شد. شاید به همین دلیل است که علیرغم سابقه طولانی حقوق بین‌الملل، برخی نگارش و انتشار کتاب «در باب حقوق جنگ و صلح» در حدود سال ۱۶۲۵ میلادی را اولین کتاب در زمینه حقوق بین‌الملل و نگارنده آن هوگو گروسیوس هلندی را پدر حقوق بین‌الملل دانسته‌اند. از قرن نوزدهم با طلوع اولین سازمان‌های بین‌المللی مواجه می‌شویم که اشکال نوین آن در نیمه اول قرن بیستم در قالب «جامعه ملل» و سپس «سازمان ملل متحد» ظهور پیدا می‌کند و از همان قرن ۱۹ میلادی نیز ضرورت توجه به آن‌ها در حقوق بین‌الملل، به‌عنوان اعضای نهادینه‌شده جامعه بین‌المللی مورد پذیرش واقع می‌شود.

از زمانی که پای «حقوق بشر» به میان آمد، حمایت از فرد موجب شد که بحث مسئولیت کیفری اشخاص کمکم از پایان جنگ دوم جهانی مطرح می‌شود. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد کلاسیک، رشد حقوق بین‌الملل در دهه پایانی قرن بیستم که آن را «دهه حقوق بین‌الملل» نامیدند، شتاب می‌گیرد و شاهد تشکیل دادگاه‌های ویژه بررسی جنایات جنگی در رواندا و بوسنی و سایر نقاط جهان می‌شویم. موفقیت‌های حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق بشر اگرچه چشم‌گیر نبود، ولی قابل چشم‌پوشی نیز نیست (سیمبر، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۴). در ژوئیه ۱۹۹۸ با تصویب متن «اساسنامه دیوان بین‌المللی» کیفری نقطه عطف دیگری در رشد حقوق بین‌الملل و پیدایش «حقوق جزای بین‌الملل» ظهور می‌کند. امروزه به علت رشد روزافزون فعالیت‌های دادگاه کیفری بین‌المللی، «حقوق جزای بین‌الملل» خود به‌عنوان شاخه‌ای نوظهور مورد توجه محققان قرار گرفته است (ر.ک به: کیتی شیایزری، ۱۳۸۳؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳) و این درحالی است که تا همین چندی پیش از ابهام در ارائه تصویری مشخص از آن سخن می‌رفت (آقایی، ۱۳۷۵: ۱۱۰). به عبارت دیگر با توسعه دامنه حقوق بین‌الملل و حقوق جزای بین‌الملل زمینه برای شکل‌گیری مفهوم «مسئولیت کیفری

فردی» فراهم گردید به گونه‌ای که دیگر موقعیت و سمت رسمی او موجب مصونیت وی از این مسئولیت نخواهد بود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۲).

با توجه به همین تاریخچه کوتاه، امروزه در بیان اعضاء و تابعان حقوق بین‌الملل می‌توان به کشورها، دولتمردان، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و بازیگران نوظهور این صحنه، نظیر شرکت‌های فراملی و ادیان اشاره کرد همچنان که در بیان موضوعات آن می‌توان به حقوق بشر، مشکلات زیست-محیطی اشاره داشت. برخی از نویسندگان ضمن توجه به بسط و توسعه صحنه جهانی و مسائل بین‌المللی به این موضوع توجه کرده‌اند (فرانکل، ۱۳۷۰: ۸۷-۱۰۲؛ تافلر، ۱۳۷۰: ۶۵۵-۶۶۹ و Spanner, 1991: 45-48). مسائل زیست-محیطی نظیر از بین رفتن لایه اوزون و افزایش دمای کره زمین که تا چندی پیش در حوزه مسائل بین‌المللی از جایگاهی برخوردار نبود، امروزه توجه محققان روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است (کاظمی، ۱۳۷۲: ۵۶۸؛ ثقفی عامری، ۱۳۷۰: ۱۲۳-۱۲۴؛ میرزایی ینگجه، ۱۳۷۳: ۹۱ و Brzinski, 1970: 14). نتیجه آنکه علیرغم عدم گذشت بیش از چند سده از عمر حقوق بین‌الملل نوین، اگر مبدأ آن را همان قرن ۱۷ میلادی بدانیم، تا قرن ۲۱ شاهد توسعه جامعه بین‌المللی بوده‌ایم؛ بدین نحو که باتوجه به کارویژه حقوق بین‌الملل در ساماندهی به هرگونه روابط خارجی، لازم گردید هم مکلفان (تابعان) وهم موضوعات (سوژه‌های) حقوق بین‌الملل نیز متناسب با آن توسعه پیدا کنند؛ لذا امروزه روز کتب و مقالات علمی رشته روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل به مسائلی می‌پردازند که اگر پیش از چهاردهه به عقب برویم، اثری از آن‌ها در حوزه مطالعات حقوق بین‌الملل مشاهده نمی‌کنیم.

شاخص نمونه: «مدل بحران‌های زیست-محیطی»

تا چند دهه پیش اثری از توجه حقوق بین‌الملل به مسائل زیست-محیطی مشاهده نمی‌شد، شاید نه بدین خاطر که چنین مشکلاتی اصلاً وجود نداشت، بلکه شاید بدین سبب که اهمیت آن چندان درک نشده بود. کشورها سرنوشت خود را آن‌چنان مرتبط با یکدیگر نمی‌دیدند که از دفن زباله‌های هسته‌ای خود در خاک سایرکشورها تردیدی به خود راه دهند. نگرانی نسبت به این مسائل به تدریج موردتوجه قرارگرفت (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح ودموکراسی یونسکو-دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۵۰-۶۲). کمکم مسائلی نظیر افزایش گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن کره زمین، ذوب شدن برف‌های قطبی، سوراخ شدن لایه اوزون، از بین رفتن جنگل‌ها، وقوع سیل‌های ویرانگر و ریزش باران‌های اسیدی موردتوجه قرارگرفت. تنظیم قواعدی برای کشورها در جهت کنترل این معضلات

اگرچه حاکمیت کشورها را محدود می‌کرد، ولی روزبه‌روز افزون شد و پس از چند اجلاس بین‌المللی در کنفرانس ریو در ژوئن ۱۹۹۲ وارد نقطه عطفی گردید. در اهمیت این کنفرانس همین بس که سران و هیئت‌های عالی‌رتبه بیش از ۱۵۰ کشور جهان را به برزیل کشاند و توجه جامعی به مباحث حاد محیط‌زیست در آن صورت گرفت (لواسانی، ۱۳۷۲). این تحول در نگاه به مسائل زیست-محیطی بی‌سابقه بود و دربیانیه نهایی این کنفرانس تبلور یافت. در اصل ۲ «بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه» با اشاره به «حق حاکمیت [کشورها] برای بهره‌گیری از منابع خود در راستای سیاست‌های توسعه‌ای و محیط‌زیستی خود»؛ بر این نکته تأکید دارد که چنین فعالیت‌هایی که در قلمروی صلاحیت سرزمینی هر کشور رخ می‌دهد، نباید آسیبی به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از قلمروی ملی آن کشور وارد سازد. همچنین در اصل ۷ بیانیه ضمن اشاره به «سهم متفاوت کشورهای جهان در تخریب محیط‌زیست»، بر «مسئولیت مشترک» آن‌ها و لزوم «مشارکت بین‌المللی» کلیه دولت‌ها در «حفظ و بازیافت سلامت و انسجام اکوسیستم‌های کره زمین» تأکید شده است. بسیاری از دیگر اصول این بیانیه به بیان تکالیف دولت‌ها در این خصوص پرداخته است. در نهایت ضمن اصل ۲۷ نیز مجدداً بر همکاری دولت‌ها و افراد در «تدوین قوانین بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار» و تشریک مساعی آن‌ها برای حل این مسائل و معضلات اشاره گردیده است (بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه: www.Unic-ir.Org). مواضع صریح شکل گرفته در زمینه ایراد خسارت‌های زیست-محیطی زمینه پیدایش مسئولیت در قبال چنین خسارت‌هایی شد و با وضع قواعد امری، شاهد آن هستیم که علاوه بر پیدایش و شکل‌گیری «مسئولیت مدنی» (International Liability) در این خصوص، «مسئولیت بین‌المللی» نیز (International Responsibility) ایجاد شود (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو-دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۲۰۱).

به نظر می‌رسد که علت پذیرش تدریجی محدودیت‌هایی بر اعمال حاکمیت کشورها و آزادی بازیگران عرصه بین‌المللی در عوامل زیر نهفته باشد که عموم این دلایل در بیماری‌های باقابلیت پاندمی نیز قابل مشاهده است:

- ۱- اهمیت بالای این مسائل به واسطه آثارسوء محسوسی که بر زندگی بشر داشته است؛
- ۲- درک بهتر موضوع به دلیل آنکه سواد بشر و آگاهی عمومی مردم دنیا افزایش یافته است؛
- ۳- حساسیت کمتر دولت‌ها چراکه معمولاً حساسیت دولت‌ها نسبت به محدودیت‌هایی که جنبه غیرسیاسی دارند نسبت به محدودیت‌های با وجهه سیاسی کمتر است.

جالب آن است که تمامی این ویژگی‌های در بیماری‌های باقابلیت پاندمی قابل مشاهده می‌باشد و در صورت عدم نگاه سیاسی به آن‌ها، رشد حقوق بین‌الملل در این زمینه سریع‌تر از سایر قواعد آن خواهد بود.

نیازی فراتر از وظایف «سازمان بهداشت جهانی» (World Health Organization)

توجه حقوق بین‌الملل به امراض باقابلیت پاندمی فراتر از نقش ویژه‌ای است که سازمان بهداشت جهانی (WHO) به‌عنوان یکی از آژانس‌های با کارویژه تخصصی در سازمان ملل متحد که مسئول سازمان‌دهی بهداشت جهانی است، انجام می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم این سازمان در ۶ آوریل ۱۹۴۸ در ژنو سوئیس تأسیس گردید و امروزه دامنه شمول اعضای آن فراتر از اعضای سازمان ملل متحد می‌باشد. هدف این سازمان آن‌چنان‌که از اساسنامه‌اش برمی‌آید «دستیابی مردم به بیشترین سطح سلامت ممکن» و وظیفه اصلی آن علاوه بر ارتقای سلامت عمومی مردم جهان، «مبارزه با بیماری‌ها، مخصوصاً بیماری‌های مسری شایع» است که درهمین راستا به ایجاد هماهنگی در تلاش‌های بین‌المللی جهت پایش بیماری‌های عفونی همانند مالاریا و ایدز و حمایت از برنامه‌های مربوط به پیشگیری و درمان چنین بیماری‌هایی و همچنین «طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها» می‌پردازد (سازمان بهداشت جهانی: Wikipedia.Org).

بودجه این سازمان نیز در شش ردیف هزینه می‌شود از جمله «بیماری‌های قابل انتقال» (دسته اول) که ایدز، هپاتیت و مالاریا دراین دسته قرار می‌گیرند و «آمادگی برای مواجهه با چالش‌ها» (دسته پنجم) که «ظرفیت کشورها برای مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها و همین‌طور آماده بودن آن‌ها برای درک شرایط اضطراری و پیش‌بینی احتمال وقوع آن‌ها و مدیریت شرایط بحران» از جمله موارد آن است (آشنایی با سازمان بهداشت جهانی و وظایف آن: Motamem.Org). در اینجا ما وقتی صحبت از پذیرش «بیماری‌های باقابلیت پاندمی» به‌عنوان یکی از «سوژه‌های حقوق بین‌الملل» و در نتیجه مداخله حقوق بین‌الملل برای وضع قواعدی درمورد آن‌ها می‌کنیم، امری فراتر از فعالیت‌های رسمی ارگان‌هایی نظیر «سازمان بهداشت جهانی» مدنظر ماست؛ چراکه فعالیت‌هایی از این دست برای مقابله با این موارد به هیچ‌وجه کافی نیست.

تعیین ملاک برای قابلیت یک موضوع برای تبدیل به یک «سوژه حقوق بین‌الملل»

با توجه به مسائلی که ذکر شد و با بررسی سایر مواردی که در سیر تحولات تاریخی حقوق بین‌الملل از زمان پیدایش آن تا زمانه ما قابل مشاهده است، می‌توان دو ویژگی عمده به‌عنوان ضابط و ملاک برای آنکه موضوعی قابلیت آنکه تبدیل به یک «سوژه برای توجه ویژه حقوق بین‌الملل و تنظیم قواعد مربوط به آن» شود، در نظر گرفت:

ملاک اول- فرامرزی بودن مسئله:

مسائلی که تاکنون مورد توجه حقوق بین‌الملل قرار گرفته و رسماً به‌عنوان سوژه‌هایی که باید با وضع قواعدی جدید به تنظیم و ضابطه‌مندی آن‌ها پرداخت، همگی مسائلی هستند که در محدوده مرزهای یک کشور محدود نمی‌شوند. اصولاً برخی از این مسائل نظیر آلودگی‌های زیست-محیطی، گرم شدن کره زمین، بالا آمدن سطح آب‌ها، باران‌های اسیدی، سیل‌های ویرانگر، آلودگی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و هسته‌ای، ریزگردها و دیگر مسائل مشابه درکی از مرز یا قلمرو ندارند تا به‌وسیله آن‌ها محدود شوند. آن‌ها بدون توجه به قلمروی کشورها مرزها را در می‌نوردند، بنابراین سوای هر عاملی که در ایجاد آن‌ها نقش داشته‌اند (که این خود قابل بررسی است)، آثار و نتایج سوء آن‌ها محدود به یک یا چند کشور محدود نخواهد شد.

ملاک دوم- لزوم مشارکت بین‌المللی برای حل مسئله:

شاید برای حل برخی مشکلات داخلی کشورها نیز نیاز به مشارکت داوطلبانه بین‌المللی باشد، ولی مسائلی که سوژه حقوق بین‌الملل واقع می‌شوند با مشارکت یک یا چند کشور قابل رفع نیستند. این بحران‌ها نه به‌وسیله یک کشور ایجاد می‌شوند و یا حداقل گسترش می‌یابند و نه قابلیت کنترل توسط یک کشور را دارند و اصولاً برای دفع آن‌ها به عزم بین‌المللی و مشارکت جهانی نیاز است. «مسئولیت‌پذیری همگانی» و لزوم توجه فراگیر همه کشورها، نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی و کلیه بازیگران صحنه بین‌الملل برای حل مشکلات ناشی از این مسائل ضروری انگاشته می‌شود و شاید همین ضرورت موجب گردیده که کمک سازمان‌های بین‌المللی فراگیر نظیر سازمان ملل متحد توجه ویژه‌ای نسبت به آن‌ها از خود نشان بدهد.

نتیجه‌گیری

درمجموع از مباحث مطرح‌شده در این پژوهش می‌توان به نتایج زیر دست‌یافت:

الف- به نظرمی‌رسد که می‌توان «جامعه بین‌المللی» را مجموعه‌ای مرکب از «موضوعات (سوژه‌ها)» و «مکلفان (تابعان)» شمرد و علیرغم ارتباط میان این دو، برای هریک ملاک‌هایی جداگانه در نظر گرفت؛

ب- «موضوعات جهانی» یا «سوژه‌های حقوق بین‌الملل» مسائلی هستند که ممکن است توسط یک کشور ایجاد شوند ولی تبدیل آن‌ها به یک مسئله جهانی ناشی از رفتار جمعی غیرمسئولانه کشورهاست و در هر صورت شمولی فراتر از قلمرویی که خاستگاه آن‌هاست را دربرمی‌گیرند؛ ضمن آنکه به همین دلیل و دلایل دیگر یک کشور توانایی دفع و رفع آن‌ها را ندارد؛

پ- وقایع رخ‌داده در زمانه ما نشان داد که علیرغم رشد چشمگیر دانش پزشکی، برای مبارزه با بیماری‌هایی با خصلت پاندمی چاره‌ای وجود ندارد جز آنکه آن‌ها را از موضوعات حقوق بین‌الملل محسوب کرد. «سرعت تکثیر بالا» و «دوره طولانی نهفتگی» ویروس کرونا تأییدی بر این مسئله است؛

ت- فعالیت‌های صرفاً تکنیکی و پزشکی کشورها و حتی مساعی سازمان‌های رسمی موجود نظیر «سازمان بهداشت جهانی» برای مقابله با این مسائل اگرچه لازم است، ولی کافی نمی‌باشد؛

ث- با فرض پذیرش چنین بیماری‌هایی به‌عنوان مسائل جهانی و در نتیجه «موضوعات حقوق بین‌الملل» که چاره‌ای نیز جزاین وجود ندارد، لازم است برای کنترل آن‌ها قواعد و ضوابطی بین‌المللی و فراتر از حاکمیت کشورها و البته با همکاری کشورها تنظیم شود؛ تا اگر مسئولیت بازیگران صحنه بین‌الملل در ایجاد آن‌ها نادیده گرفته می‌شود، لااقل در وهله اول در عدم گسترش و مهار آن تعیین گردد؛

ج- این می‌تواند زمینه‌ساز مراحل بعدی باشد که در آن مراحل باید مسئولیت کشورها یا هر نهادی که به‌واسطه سوء رفتار آن‌ها چنین معضلی برای جامعه جهانی ایجاد می‌شود، قابل‌بررسی و پیگیری باشد؛

چ- نظربه اهمیت موضوع و درک مستقیم جامعه بشری و باعنایت به حساسیت کمتر کشورها (به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران صحنه بین‌المللی) نسبت به محدودیت‌های موردنیاز برای رفع این مشکلات (که جنبه سیاسی آن نسبت به مسائلی مانند «حقوق بشر» کمتر است)؛ امکان توسعه حقوق بین‌الملل در این چشم‌انداز وجود خواهد داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- افشای زمان کشف اولین مورد ابتلا به ویروس کرونا در چین در: Sputniknews.com (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۰/۳/۱۳).
- ایزدی، مرتضی و جعفری، نعمت اله؛ رنجبر، رضا؛ توکلی، حمیدرضا و کرمی، سعید (۱۳۸۸). «آنفلوآنزای H1N1 (خوکی)»، *مجله طب نظامی*، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار، صص ۱-۶.
- آشنایی با سازمان بهداشت جهانی و وظایف آن در: motamem.org (تاریخ دسترسی: ۹۸/۱۲/۲۰).
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم.
- آقائی، بهمن (۱۳۷۵). *فرهنگ حقوق بین‌الملل*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- بایبوردی، اسماعیل و کریمیان، علیرضا (۱۳۹۸). «روابط دوجانبه فرهنگی و اجتماعی ایران و ایالات متحده آمریکا از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹-۱۸۲۹ میلادی)»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۲۵-۶۲.
- برانلی، ایان (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل در واپسین سال‌های قرن بیستم*، ترجمه: صالح رضایی پیش‌رباط، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه در: www.unic-ir.org (تاریخ دسترسی: ۹۸/۱۲/۲۱).
- بیماری مرس چیست؟ در: Elmefarda.com (تاریخ دسترسی: ۹۴/۳/۲۶).
- تافلر، الوین (۱۳۷۰). *تغییر ماهیت قدرت*، ترجمه: حسن نورائی بیدخت و شاهرخ بهار، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۰). *سازمان ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۷۷.

چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.

خدابخشی، لیلا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نواقع گرایي»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۱-۴۷.

دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.

دولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.

زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.

سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، **فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۱۹-۱۳۶.

سیمبر، رضا (۱۳۸۳). **حقوق بشر در نظام بین‌الملل**، رشت: اداره انتشارات دانشگاه گیلان، چاپ اول.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۴). **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ نهم.

فرانکل، جوزف (۱۳۷۰). **روابط بین‌الملل در جهان متغیر**، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم.

قانع، مصطفی و علی کرمی؛ حسینی دوست، سید رضا؛ ابوالقاسمی، حسن و حسینی، سید محمدجواد (۱۳۸۱). «بیماری سارس»، **مجله طب نظامی**، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۶۵-۲۷۲.

کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.

کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۲). **روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل**، تهران: قومس، چاپ اول.
کبیری، ابوالحسن و کاویانی فر، پیمان (۱۳۹۸). «اولویت‌بندی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از طریق آسیای مرکزی و راهکارهای مقابله با آن»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۱-۷۰.

کرونا از وضعیت اپیدمی به پاندمی می‌رسد؟ به نقل از: نیویورک تایمز در: Khabaronline.ir (تاریخ دسترسی: ۹۸/۱۲/۱۸).

- کووید ۱۹ رسماً به «پاندمی» رسید و عالم‌گیر شد در: Tabnak.ir (تاریخ دسترسی: ۹۸/۱۲/۲۱).
کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳). **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت، چاپ اول.
گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو (۱۳۸۹). **حقوق زیست‌محیطی بشر**، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ اول.
لواسانی، احمد (۱۳۷۲). **کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۵). **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوازدهم.
موسوی، سید محمدرضا و نوروزی، رحیم (۱۳۹۸). «بررسی ابعاد فرهنگی و مذهبی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۴۳-۳۶۷.
مومنی راد، احمد و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). «سازوکارهای منطقه ای حقوق بشر: گونه ها، چالشها و راهکارها»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۷، پاییز و زمستان، صص ۱۱۱-۱۳۴.
میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۳). **دادگاه کیفری بین‌المللی**، تهران: نشر دادگستر.
ویروس کرونا: تفاوت اپیدمی و پاندمی به نقل از: Evening Standard، در: dinu.ir توسط لیلا میرزاخان (تاریخ دسترسی: ۹۸/۱۲/۱۲).
هراتی، محمدجواد و منصوری، توران (۱۳۹۸). «آزمون‌پذیری نظریه انقلاب اجتماعی با انقلاب‌های مصر و تونس»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۲۲۷-۲۰۷.

ب) منابع انگلیسی

- Brzinski, Zbigniew (1970). *Between two Age: Americans Role in the Technetronic Era*, wiking.
Spanier, John (1991). *Who are the Non-State Actors?* In: *The Theory and Practice of International Relation* by: William C. Olson, Prentice-Hall.